

با روی کار آمدن پزشکیان اعدام‌ها افزایش یافته است



Agusts 2024
Statistical Report

رژیم جمهوری اسلامی ایران در ماه مرداد 81 زندانی را اعدام نموده است. این آمار در مقایسه با دی ماه سال گذشته که 45 اعدام بوده، افزایش یافته است. بر اساس آمارهای سازمان ملل متحد، رژیم ایران طی ۵ ماه گذشته سال جاری حداقل 400 نفر را اعدام نموده که 15 تن از آنان زن بوده‌اند.

در میان این اعدام‌ها کارشناسان سازمان ملل متحد از اعدام رضا رسایی سخن گفته‌اند. وی یک شهروند کورد بود که در جنبش ژینا بازداشت شد و طی یک بازجویی و تحت شکنجه مجبور به اعتراف اجباری شده بود و سپس اعدام گردید. همچنین به بازداشت و حکمهای تحمیلی علیه شریفه محمدی، پخشان عزیزی، محمود مهرابی، عباس دریس، احمدرضا جلالی و جمشید شامهد اشاره شده است که رژیم ایران به اتهام واهی "اقدام علیه امنیت کشور" آنان را به اعدام محکوم کرده است.

جامعه جهانی باید صدای اعتراض ایران را بشنود

تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم ایران موثر؛ اما کافی و وافی نیستند



بریتانیا چند فرد و نهاد دیگر را تحریم کرد

چندین نهاد نظامی، مسئول و موسسه ایرانی فعال در صنعت پهپاد و موشک بالستیک به لیست سیاه خود افزوده بود. جریان‌های اپوزیسیون رژیم ایران بر این باور هستند؛ گرچه تحریم‌های جامعه جهانی و یک طرفه اروپا و سایر کشورهای دیگر علیه رژیم ایران موثر بوده و محدودیت‌هایی ایجاد نموده است؛ اما حمایت از اعتراضات داخلی ایران علیه رژیم ولایت فقیه تنها راه چاره است

دارایی‌هایشان در بریتانیا هستند و دسترسی آنها به منابع مالی‌شان در این کشور نیز مسدود می‌شود. این تحریم‌ها دور دیگری از تحریم‌های آمریکا علیه ایران بوده که در مدت ۵ ماه گذشته تصویب شده است. قبلاً نیز در اردیبهشت ۶ مسئول رژیم ایران فعال در امور نظامی از سوی بریتانیا تحریم شده بودند. همچنین ۳۰ فروردین بریتانیا همسو با آمریکا

حمایت از گروه های مسلحی که قصد بی ثباتی در اسرائیل محکوم شده است رژیم ایران بعد از این تحریم‌ها کاردار سفارت بریتانیا در تهران را احضار نمود. در این احضار، مراتب محکومیت این اقدام که مغایر با سیاست‌های ادعایی دولت جدید بریتانیا مبنی بر تمایل به تعامل و همکاری است، اعلام گردید. این افراد و نهادهای اضافه شده به این فهرست اکنون در معرض مسدود شدن

و لبنان انجام می‌شوند، نقش داشتند عبدالفتاح اهوازیان به اتهام دست داشتن در «تهدید، برنامهریزی یا انجام فعالیت‌هایی که با هدف ایجاد بی‌ثباتی در انگلستان یا هر کشور دیگری انجام می‌شود» تحریم شده است. بهنام شهریاری، به اتهام برنامه ریزی یا انجام فعالیت های بی ثبات زا در اسرائیل، عراق، یمن و لبنان تحریم شده است و حمید فاضلی، به اتهام

بریتانیا یگان ۷۰۰ نیروی تروریستی قدس سپاه پاسداران، مسئول قاجاق تدارکات و تجهیزات، را تحریم کرد و عبدالفتاح اهوازیان، بهنام شهریاری و حمید فاضلی را در فهرست تحریم‌ها قرار داد. به گفته بریتانیا، این افراد در تسهیل یا حمایت از اقدامات خصمانه رژیم جمهوری اسلامی ایران یا گروه‌های نیابتی آن که با هدف بی‌ثباتی بریتانیا، اسرائیل، عراق، یمن

چالش‌های اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی

گرامشی، جامعه مدنی و مبارزه برای دموکراسی

کینه و دشمنی تمام نشدنی جمهوری اسلامی علیه کوردستان

مقاومت و ایستادگی زندانیانی سیاسی

خالد عزیزی: آرمانها و اندیشه‌های دکتر قاسملو در کوردستان ایران نهادینه شده است

حسن قهرمانی

۷

کاوه آهنگری

۵

رضا دانشجو

۴

حسن حاجی

۳

۲

آرمانها و اندیشه‌های دکتر قاسملو در کوردستان ایران نهادینه شده است



(متن سخنرانی سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران در مراسم ۷۹مین سالگرد تاسیس حزب دموکرات)

کادرها و پیشمرگان حزب دموکرات کوردستان ایران!

اعضای مبارز حزب!

مردم آزادیخواه کوردستان

۲۵ مرداد، سالروز تاسیس حزب دموکرات کوردستان ایران را به همه‌ی شما حضار گرامی و همه‌ی خلق کورد در کوردستان ایران تبریک عرض مینمایم.

۷۹ سال قبل در چنین روزی در کوردستان ایران رئیس‌جمهور و پیشوای حزب دموکرات، قاضی محمد حزبی بنا نهاد که در مدت زمانی کم به سرمشق و پیشرو اندیشه‌ی ملی و میهنی در کوردستان ایران تبدیل شد. پیشوای نامدار قاضی محمد همچنین در مدت زمانی کم بعد از تاسیس حزب، با همت و پشتوانه مردم منطقه خودمختار توانست جمهوری کوردستان را هم پایه‌گذاری نماید.

وی و دوستانش مدتها پیش و در کشاکش جنگ جهانی دوم به این نتیجه رسیده بودند که اگر ملت کورد خواست این را داشته باشد که در عرصه‌ی سیاست و تعاملات مرتبط با ایران و مسئله کورد نقش آفرین باشد، بایستی دارای موسسات ملی بوده و و این موسسه هم، حزب دموکرات کوردستان بود که پیشوا قاضی محمد نقش اصلی را در تاسیس این حزب ایفا کرد. در این رابطه و به‌مناسبت ۷۹مین سالگرد تاسیس این حزب، یاد و خاطره پیشوا قاضی محمد را گرامی میداریم. همچنین در این روز یاد شهیدان گرانقدر حزب را ارج مینهیم و درود میفرستیم بر همه‌ی زندانیان سیاسی مبارز ملتمان و خانواده‌هایشان و همه‌ی خلق ما که همیشه پشتیبان اصلی حزب بوده‌اند.

پیشوا قاضی محمد با تاسیس حزب دموکرات بعنوان اولین حزب مدرن کوردی در تاریخ کوردستان و رشد ایده ملی و سپس تاسیس جمهوری کوردستان در میان ملت کورد، نقش روشنایی‌بخشی در این مورد ایفا کرد و در کوردستان راه و شیوه ادامه مبارزه را به مبارزان راستین آزادی نشان داد.

پیشوا قاضی محمد، اعدام شد اما حزب قاضی محمد پابرجا ماند و به راه خودش ادامه داد و بعد از اعدام پیشوا و سقوط جمهوری کوردستان، مبارزان حزب دموکرات و رهروان راه قاضی محمد با تحمل سالها زندان و زندگی در غربت و تعدادی از آنها هم در کشورهای اروپایی پرچم مبارزه را برافراشته نگه داشتند و بدین شیوه مبارزه ادامه پیدا کرد.

با گذر زمان حزب دموکرات در عرصه‌ی سیاست در رابطه با مسئله‌ی کورد و حتی در میان روابط بین‌الملل پرننگتر از پیش به فعالیتهای خود ادامه داد. بعد از پیشوا قاضی محمد، دکتر عبدالرحمن قاسملو رهبر برجسته‌ی حزب دموکرات و دولتمرد خاورمیانه و ایران، نقش قبله‌نما این حزب را ایفا کرد. در روزهای دشوار و پرتلاطم مبارزه‌ی این حزب، دکتر قاسملو، ایده نو و دموکراتیک و به روزی را وارد حزب کرد و حزب در سایه رهبری دکتر قاسملو، صاحب تاکتیک، استراتژی، برنامه و پروگرام و صاحب نقطه‌نظرات و گفتمان سیاسی خود شد و روش درست مبارزه را در پیش گرفت. دکتر قاسملو با در پیش گرفتن

سیاستهای درست و منطقی میکوشید که مخاطب بیشتری در کوردستان و در سراسر ایران برای حزب دموکرات بیابد. از جمهوری کوردستان تا کنون ۷۹ سال گذشته است. پیشوای نامدار قاضی محمد شهید شد، دکتر قاسملو که نماینده آشتی در منطقه بود، توسط دیپلمات تروریستهای رژیم جمهوری اسلامی بر سر میز مذاکره در "وین" ترور شد. در همین راستا دکتر شرفکندی هم که بدنبال راهکارهایی موثر بود برای پیشبرد مبارزه علیه جمهوری اسلامی در ایران بود، در نشستی بدست تروریستهای رژیم ترور شد.

بعد از آن تا الان صدها تن از کادرها و پیشمرگان این حزب ترور شده‌اند،

همان نیروی پیشمرگه است، پیشمرگه تنها نیرویی مسلح نیست. پیشمرگه نیروی خودجوش توده‌های مردم کوردستان است. زمانی که رژیم جمهوری اسلامی فتوای جنگ بر علیه کوردستان را داد و پیام صلح‌طلبانه دکتر قاسملو و حزب دموکرات از طرف رژیم حاکم در تهران تحویل گرفته نشد، چه نیرویی بود که مقاومت کرد و میدان مبارزه را رها نکرد؟ بی شک نیروی پیشمرگه بود. در این برهه زمانی بود که فرزندان این ملت در راه دفاع از ملت و میهن خود دست به اسلحه بردند. فلسفه وجودی پیشمرگه حزب دموکرات، همین ارزشهاست و این نیرو قسمتی از سیاست و استراتژی این حزب است. پیشمرگه جلوه همه جانبه مبارزه‌ی حزب برای رساندن خلق کورد در کوردستان

با چنین توشه‌ای، مسئولیت این حزب هم بیشتر میشود. حزب دموکرات با برنامه‌ی پرپار خود در آینده کوردستان و حل مسئله کرد در تحقق حقوق ملی، در موسساتی‌کردن آرمانهای ملی، دموکراسی‌خواهی و آزادیخواهی برای هرچه بیشتر رشد جنبش مردمی و آزادیخواهانه این خلق نقش موثری خواهد داشت. حزب دموکرات از بدو تاسیسش حزبی مردمی بوده و به همین خاطر است که همیشه مردم فراخوان و پیامهای این حزب را پذیرفته و همین هم مسئولیت بزرگی را بر دوش این حزب در قبال مردم گذاشته است.

در خیزش "ژینا" از جوانرود تا منطقه‌ی ارومیه شعار "قاسملو قاسملو، راهت ادامه

در خیزش "ژینا" از جوانرود تا منطقه ارومیه شعار "قاسملو قاسملو، راهت ادامه دارد" بر سر زبان مردم بود و این نشاندهنده نهادینه‌شدن آرمان و عقاید و تفکرات دکتر قاسملو در میان خلق کورد است.

دارد" بر سر زبان مردم بود و این نشاندهنده نهادینه‌شدن آرمان و عقاید و تفکرات دکتر قاسملو در میان خلق کورد است.

زندگی سیاسی حزب ما، همراه با دشواریها، رویدادهای خوشی هم داشته که این هم امری طبیعی در زندگی و در سیاست است اما در قبال رویدادهای سخت و ناهموار، از پای درنیامده است. از دستاوردهای مهمی که تفکر حزبی، تفاهم و اتحاد ما را تقویت کرد، اتحاد دوباره صفوف حزب در دو سال قبل بود. این ادغام، قسمت اعظم آن تاثیر پیامها و خواست ملت کورد در کوردستان در قبال دو شاخه حزب بود. مردم کوردستان پیامشان این بود که حزب دموکرات، حزب ماست و به امانت در دستان شماست و فرزندان این ملت لازم است که در حزبی

ایران به اهداف ملی است. همچنین برای حاکم کردن دموکراسی در ایران است تا همه ما بتوانیم این رژیم را نابود و بجای آن شاهد پایه‌گذاری رژیمی دموکراتیک باشیم که حق فردی و ملی هر کسی داده بشود. بنابراین پیشمرگه حزب دموکرات نقشی تاریخی را در تاریخ کوردستان ایفا کرده و قسمتی بزرگ و فراموش‌نشدنی از افتخارات این ملت است.

از دستاوردهای دیگر حزب بعد از تاسیس جمهوری کوردستان، بنانهادن چندین موسسه دیگر حزبی بوده که پرچم و سرود ملی از دستاوردهایی هستند که آمیخته با هویت ملی خلق کورد شده‌اند و خلق کورد با این ارزشها شناخته میشود. بنابراین با چنین سابقه‌ای که حزب دموکرات دارد، توشه این حزب از همه‌ی لحاظ پر است و

واحد و متحد کار بکنند و اعتبار ملی بیشتری به حزب ببخشند. خوشبختانه کادرها و اعضای حزب این خواست مردم را بجا نهادند و به انجام رساندن این خواست به اتحادی همه‌گیر ختم شد و حالا که هم در سایه این اتحاد، مبارزه ادامه دارد.

در ۲۵ گلاویژ، در این روز مبارک به همه افراد حزبی که بی‌صبرانه در جهت اتحاد مجدد حزب تلاش کردند، تبریک عرض میکنم همچنین امیدوارم که فرهنگ و تفکر اتحاد و تفاهم در حزب دموکرات نهادینه شود و بر این مبنا که اتحاد ما را برای همیشه تضمین خواهد کرد، بایستی پیگیرانه و بی‌صبرانه عمل کنیم.

حزب ما براساس اساسنامه و پروگرامی که داشته، در عرصه و میدانهای متفاوت با استفاده از روش و شیوه‌های گوناگون مبارزه با وجود مشکلات فراوان، به مبارزه ادامه داده و ادامه خواهد داد. زمینه اصلی مبارزه حزب در کوردستان و در میان خلق کورد است. سازماندهی مردمی از وظیفه‌های اصلی حزب در کوردستان و فلسفه‌ی وجودی حزب هم همین مورد است. یکی از عرصه‌های فعالیت ما این است که ما بتوانیم در سراسر ایران برای پیام و گفتمان خودمان دوست و مخاطب پیدا بکنیم.

برنامه و نظرات حزب برحق و مورد مقبول بیشتر سازمانها و جریانات سیاسی واقع است و امیدوارم که با سعی و تلاش مداوم، همه‌ی ما بتوانیم که این مخاطبان را بیشتر بکنیم. عرصه دیگر سازماندهی نیروی خودی و بخصوص نیروی پیشمرگه آنهم با در نظر گرفتن وضعیت نامعلوم و مبهم خاورمیانه است.

حزب دموکرات، حزبی سیاسی است. حزبی ایدئولوژیک نیست. وصل به هیچ ایدئولوژی‌ای ویژه نیست. حزب همه‌ی اقشار ملت کورد در کوردستان ایران گرفته از شیعه، سنی، یارسان و همه توده‌های جامعه کوردستان است. بدین جهتی که حزب ما، حزبی سیاسی است و صاحب مخاطبان زیادی است، در سطح بین‌المللی هم نقش و جایگاه خود را داراست. بخش اعظم این جایگاه حاصل تلاش و فعالیت مداوم دکتر قاسملو بود که دنیای خارج را با مسئله‌ی کورد آشنا کرد و افراد حزبی را با دنیای سیاست و دیپلماسی آشنا کرد و به ما یاد داد که چگونه در این زمینه کارا و فعال باشیم.

تقویت روابط دیپلماتیک ما و شرایط در نظر گرفتن پذیرفته‌شدن هرچه بیشتر نظرات و سیاستهای حزب دموکرات کوردستان ایران، تقویت مبارزه‌ی مردمی در کوردستان ایران است و پر رنگترکردن این مبارزه، وظیفه همه ما و لازمه آن استفاده از همه متود و شیوه‌های مبارزه است.

رفقای پیشمرگه! بار دیگر به شما خسته نباشید گفته و جشن ۲۵ مرداد را تبریک میگویم و این فرصت را مغتنم شمرده تا یادی بکنیم از همه دوستان و مبارزانی که در این خطه و در طول ۷۹ سال گذشته در حزب دموکرات زحمت کشیده‌اند.

به امید ادامه‌ی مبارزه حق‌طلبانه و پیروزی حزبمان.

مقاومت و ایستادگی زندانیان سیاسی



حسن حاتمی

درونی، تجاوز و شکستن کرامت انسانی، در امروز روش آنان بوده و هستند. گاهی" آنقدر افرادی را شکنجه کرده‌اند و آزار و اذیت نموده‌اند تا حق حیات را از آنان گرفته و حق دفاع به آنان هم به‌شیوه‌ای که بتواند رفع اتهام نماید، نداده‌اند. با این حال مقاومت و ایستادگی زندانیان سیاسی مداوم بوده و خواهد بود.

با این مقدمه‌ای کوتاه در خصوص زندانی و زندانیانی زورمدارانه، بخشی از شعر استاد "عبدالله په‌شیو"، شاعر نامدار کورد، را به یاد از دست رفتگان و جاودان نامان که شاعر به خوبی در سپهر مبارزان راه آزادی و حقوق ملی میتوان اطلاق کرد و آنان را "سربازی ون (گمنام)" به تعبیر سیاسیون نه به تعبیر اسلاميون سیاسی، نام نهاد. استاد په‌شیو مینویسد: در کنار هر جویباری، بر سر سکوی هر مسجدی، بر در هر خانه‌ای، هر کلیسایی، هر غاری، بر سر بزرگ سنگ هر کوهی، بر درخت هر باغی در این سرزمین، بر سر هر قطعه زمینی، در زیر هر متر آسمانی، ترس، تعظیم کن و تاج‌گلت را بگذار.

من هم با الهام از این شاعر بزرگ کورد، مینویسم: در راه و درون هر

زندانی، در راهروها و سالن‌ها، در مقابل و درون هر سلولی، تک نفره یا چند نفره، در درون هر بند عمومی، در هر مسجد و حسینیه‌ای، در هر زیرزمین و میدان‌های اطراف زندان‌ها و...، گل سرخی را بگذار و احترام کن، چون خون شهیدان و فداکاران آزادی و زندگی خواه انسانی را ریخته‌اند و بر زمین کشیده‌اند، یا در گورهای بی نام و نشان، یا بیابانهای دور از چشمان مردمان چشم به راه، خاک کرده‌اند، یا گم‌گشتگانی که پس از دستگیر یا زندانی شدن از حق حیاط و بودن محروم‌شان کردند؟؟؟؟!

اما زندانیان در بند در دورانهای متفاوت که در مقابل رژیم "توتالیتزر" جمهوری ولایت مطلقه‌ی فقیه به قول" د. نوری زاده، در این مدت بیش از ۴۵ سال مقاومت و ایستادگی تا فدای جان و زندگی، ادامه داده‌اند و حدود ۲ سالی که از جنبش/ انقلاب "سوم" ژینا / مهسا "ژن، ژیان، نازادی" زن. زندگی آزادی)، با مبارزه‌ای مدنی و دور از خشونت در زندانی بزرگ ساخته‌ای در تمامی جوامع موجود در ایران از سوی جمهوری اسلامی، مقاومت و ایستادگی میکنند تا رژیم، آدم کش، زن کش، بچه کش، تروریست و جنگ طلب، در منطقه‌ی خاورمیانه و بخشی از جهان متمدن را به چالش جدی بکشند و تا سرنگونی ادامه خواهند داد.

زنان و دختران که مظهر، نماد و پیشران

این جنبش/ انقلاب "سوم" هستند، بصورت دسته‌جمعی در زندان اوین، در حیاط زندان، در درون بندشان استوار و پیگیر "گذشته از جان" و زندگی مایه میگذارند و با راه اندازی "ته به اعدام" در سه شنبه‌ها در درون زندان به کارزار جهانی، نه به اعدام پیویسته‌اند که در این راه، ضمن مبارزه در زندان به برداشتن اعدام و پشتیبانی از حق حیاط انسان نیز هم می اندیشند و هم مبارزه میکنند.

در این مسیر پر زحمت لازم است به ۱۵ زن و دختری اشاره کرد که این روزها در زندان، مورد ضرب و شتم، اذیت و آزار و محرومیت از حق ملاقات، چه تلفنی و چه حضوری نیز با خانواده‌ها و بستگانشان محروم شده‌اند؟؟؟؟!!!! آنان، پرخشان عزیزی، الهه فولادی، گلرخ ایرانی، وریشه مرادی، نرگس محمدی، محبوبه رضایی، ریحانه انصاری نژاد، سمانه اصغری، آنیشا اسدالهی، پروش مسلمی، مریم یحیوی، سارینا جهانی، ساناز یکتا، نسرين خضرجویی و زهرا صفاری هستند. در میان این شیر زنان، پرخشان عزیزی و وریشه مرادی به اتهامی واهی "بغی"، متأسفانه محکوم به اعدام شده‌اند.

منابع : گوگل و یوتیوب

مرگ روزانه ۴۵ تا ۵۰ نفر در ایران بر اثر حوادث رانندگی



عنوان "مهم‌ترین عوامل شدت بخشیدن به صدمات وارده و افزایش جان‌باختگان سوانح رانندگی" یاد کرده‌اند. این گزارش همچنین می‌افزاید: حدود ۵۰ درصد از مرگ‌های غیرطبیعی ارجاعی به مراکز پزشکی قانونی در سال ۱۳۹۵ ناشی از حوادث وسایل نقلیه بوده و عامل ضربه به سر نیز دلیل اصلی فوت ۵۶ درصد از جان‌باختگان اعلام شده است.

سوانح رانندگی با خودرو پراید و پژو ۴۰۵، با استناد به این گزارش، علاوه بر آمار بالای مرگ و میر، سالانه بیش از ۳۰۰ هزار مصدوم به جا می‌گذارد و هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از تصادفات رانندگی با خودروهای داخلی، سالانه حدود ۷ درصد از تولید ناخالص ملی کشور را تشکیل می‌دهد.

به گفته کارشناسان علاوه بر عوامل انسانی، عواملی همچون خودروهای بی‌کیفیت تولید داخل و جاده‌های ناایمن بین شهری و بزرگراه‌های فاقد استاندارد شهرسازی و ترافیکی در سطح شهرها از دلایل عمده تصادفات در ایران به شمار می‌روند.

۴۰ درصد تصادفات جاده‌ای در اثر واژگونی، ۵۰ درصد مرگ غیرطبیعی در اثر سوانح رانندگی یکی از مشکلات عمده در حوزه‌ی خودروهای داخلی، در این گزارش، در بخش "کیفیت، ایمنی و آلاینده‌ی" توضیح داده شده است. کمیسیون اصل نود در این مورد می‌نویسد: «طبق گزارش پلیس راهنمایی و رانندگی، ۴۰ درصد تصادفات جاده‌ای در کشور ما از نوع واژگونی است.»

گردآورندگان گزارش از "ضعف در ساختار بدنه خودروهای تولید داخل" به

پلیس راه رژیم ایران از مرگ روزانه ۴۵ تا ۵۰ نفر و مصدومیت بیش از هزار نفر بر اثر تصادفات رانندگی خبر داد.

سیاوش محبی، جانشین فرمانده پلیس راه جمهوری اسلامی ضمن انتقاد از خودروهای بی‌کیفیت، گفت که روزانه بطور متوسط بین ۴۵ تا ۵۰ نفر در ایران بر اثر حوادث رانندگی جان خود را از دست می‌دهند.

به گفته نامبرده روزانه هزار نفر نیز در سوانح رانندگی مجروح می‌شوند که در این میان دست‌کم ۱۰۰ نفر دچار معلولیت شده و حدود ۲۰۰ خانواده نیز در پی پیامدهای ناشی از این واقعه دچار کاهش شدید درآمد و حتی فقر می‌شوند. محبی با اشاره به کیفیت پایین برخی خودروها و زیرساخت‌های نامناسب جاده‌ای، آمار جان باختگان سوانح جاده‌ای در سال ۱۴۰۲ را بیش از ۲۰ هزار نفر اعلام کرد.

بازداشت ۱۷ شهروند کورد طی چهار روز اول ماه سپتامبر میلادی



همچنین در شهرستان مهاباد چهار شهروند با هویت‌های "رامیار ابوبکری" و "سیاوش سلطانی" از اعضای خانواده‌های دادخواه، "عادل کاکه" و "امید احمدنژاد" توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. در همین رابطه بامداد روز چهارشنبه ۴ سپتامبر سه شهروند اهل اشنویه به نام‌های "دیاکو عزیزی"، "لقمان زنگی" و "سیامند زنگی" نیز در پی یورش نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

لازم به ذکر است که این ۱۷ شهروند کورد در پی یورش نیروهای امنیتی رژیم و بدون ارائه حکم قضایی بازداشت شده و سپس به مکان‌های نامعلومی منتقل شده و تاکنون از اتهامات مطروحه علیه آنان اطلاع دقیقی در دست نیست.

طی چهار روز اول ماه سپتامبر میلادی دست‌کم ۱۷ شهروند کورد در شهرهای مختلف کوردستان توسط نیروهای امنیتی رژیم بازداشت شده‌اند.

طی بازه زمانی مورد ذکر دست‌کم ۱۰ شهروند در روستای "بلبان‌آبان" از توابع شهرستان دهگلان، ۴ شهروند در مهاباد و ۳ شهروند دیگر در اشنویه توسط نیروهای امنیتی رژیم بازداشت و به مکان‌های نامعلومی منتقل شده‌اند.

طبق این گزارش در سه روز نخست ماه جاری میلادی ده شهروند به نام‌های "جمیل محمدی"، "شادمان محمدی"، "فواد محمدی"، "محمد محمدی"، "میثم حاجی مجید"، سمیر محمدی"، "پدرام محمدی"، "ماردین باقری" و دو تن دیگر بازداشت شده‌اند.

کینه و دشمنی تمام ناشدنی جمهوری اسلامی علیه کوردستان



رضا دانشجو

در آستانه دومین سالگرد جنبش "زن، زندگی ، آزادی"، توهین یک تروریست سپاهی در قامت به اصطلاح استاد دانشگاه باعث واکنش های متفاوتی از سوی شخصیت سیاسی اجتماعی و مردم عادی در فضای رسانه ای شد. واکنش هایی که باعث برکناری این به اصطلاح استاد دانشگاه از سوی مقامات رژیم شد. اینکه این اخراج چقدر واقعی است و چقدر برای عموم مردم اهمیت دارد، بدون تردید باید گفت: تجربه چهل و چند سال زمامداری جمهوری اسلامی نشان داده این نمایش های ظاهری و کوتاه مدت، صرفا برای پاسخ به اذهان عمومی است و عموما شخص خاطی که عمدتا از وابستگان نهادهای امنیتی رژیم است بعد از مدتی و در جای دیگری و شاید در پست بهتری مشغول به فعالیت خواهد شد. اما آنچه مورد بحث است این است که دلیل اینهمه کینه و عداوت با کوردها چیست که یک به اصطلاح استاد دانشگاه رژیم هم با چنان ادبیات سخیفی که بی گمان فقط لایق او و اربابش است از کوردها یاد می کند؟ مسلما او اولین کسی نیست که چنان گستاخانه به کوردها می تازد و مطمئنا در چارچوب جمهوری اسلامی آخرین هم نخواهد بود. در آستانه دومین سالگرد انقلاب ژینا نگاهی به سالها کارنامه سراسر مقاومت ومبارزه کوردستان علیه دیکتاتوری ولایت فقیه می تواند پاسخ مناسبی به این پرسش باشد. در واقع همانطور که اشاره شد انقلاب ژینا نقطه عطف مبارزات مردم کورد علیه رژیم بود و برای یافتن ریشه این دشمنی باید به روزهای آغازین پیروزی انقلاب 57 بازگشت.

با سقوط رژیم پهلوی، کوردها امیدوار بودند بتوانند در چارچوب یک مشارکت واقعی و عادلانه به سالها تبعیض و سرکوب پایان دهند. رهبران سیاسی کورد در این مقطع چندین بار با پیام هایی دوستانه از خمینی خواستند تا برای برقراری عدالت واقعی و حفظ حقوق ملیت های ایرانی تلاش کند. نباید فراموش کرد این تلاش ها در حالی صورت می گرفت که رهبران کورد عمدتا هیچ نگرش مثبتی نسبت به خمینی و حکومت او نداشتند اما شرایط عجیب سال 57 و حمایت جریان های سیاسی مختلف از خمینی باعث می شد تا کوردها همسویی خود را با اکثریت جامعه آن وقت نشان دهند تا جلوی سواستفاده های احتمالی را بگیرند.

رفتار دوگانه خمینی خیلی زود جامعه کوردستان و رهبران سیاسی آن را متوجه آن کرد که خمینی و عمال او قصد ندارند مشکلات را از راه سیاسی حل کنند. نباید از نقش مخرب ، عداوت و کینه عجیب بعضی از افراد و جریان های سیاسی که بعدها به مخالفین خمینی تبدیل شدند در مساله کوردستان به آسانی گذشت. شاید اگر رهبران سیاسی کورد همراهی حداقل بعضی از جریان های سیاسی آن زمان را باخود داشتند هرگز کابوسی به نام جمهوری اسلامی اتفاق نمی افتاد.

بعد از بایکوت تاریخی و "نه" قاطع کوردستان به رفراندوم نمایشی رژیم برای انتخاب نوع حکومت در 12 فروردین 58 دشمنی رژیم ولایت فقیه با کوردستان وارد فاز جدیدی شد. اینبار خمینی و عوامل او مستقیما به تهدید مردم کوردستان پرداختند ، صدور دستور جهاد علیه کوردستان توسط خمینی دجال در مردادماه 58 را می توان آغاز رویارویی مستقیم جمهوری اسلامی با کوردها دانست. آغاز چهل و چند سال مبارزه برای سرنگونی رژیم که به هیچ یک از پرنسپ ها و اصول انسانی باور نداشته و ندارد.

جنگ مسلحانه رژیم علیه کوردستان هرچند با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان کورد روبرو و باعث وارد آمدن خسارات سنگینی به عمال جمهوری اسلامی شد اما متأسفانه جدا از شهادت تعدادی از فرزندان قهرمان کوردستان و پیامدهای



تاسف بار آن، باعث ویرانی و تخریب عمدی بسیاری از زیرساخت های کوردستان شد. جمهوری اسلامی در این نبرد نابرابر از لحاظ دسترسی به ادوات جنگی بارها با نقض تمام معاهدات بین المللی باعث دهها مورد کشتار دسته جمعی و جنایات جنگی شد. بعد از کوچ اجباری و البته خودخواسته احزاب کورد به خارج از شهرها برای جلوگیری از زیان بیشتر به شهرهای کوردستان تا زمان توقف جنگ مسلحانه علیه رژیم، جمهوری اسلامی دهها بار با استفاده از روش های غیربشری از جمله بازداشت و زندانی کردن خانواده پیشمرگه ها، پرونده سازی و اخراج نزدیکان آنها و ..

سعی کرد تا روح مقاومت را در کوردستان بخشکند که البته هرگز طرفی نیست. جمهوری اسلامی حتی بعد از توقف عملیات مسلحانه توسط احزاب کورد ،استقرار آنها در اقلیم کوردستان را هم برنتافت و جدا از دهها مورد ترور اعضای

رهبری و حتی اعضای عادی ، شلیک موشک به کمپ ها و کشتار دهها غیرنظامی بی گناه، گوشه جدیدی از دشمنی و کینه تاریخی را خود از کوردها نشان داد. ترور ناجوانمردانه دکتر قاسملو و همراهانش در وین و دکتر صادق شرفکندی و یارانش در برلین و دهها ترور برنامه ریزی شده دیگر در ترکیه و اقلیم کوردستان نشان داد جمهوری اسلامی هرگز حاضر نیست در رفتار خود علیه کوردها تغییری ایجاد کند.

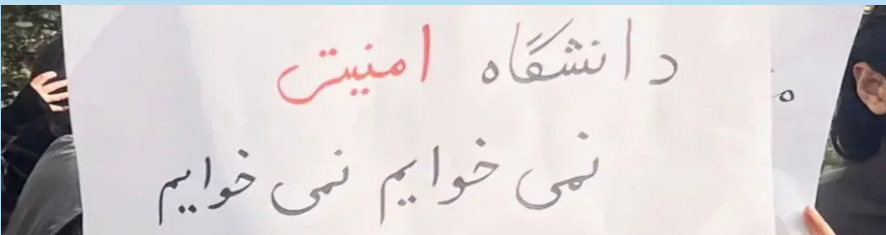
بدیهی است که مردم کوردستان در برابر اینهمه بی عدالتی ، ستم و ظلم رژیم سکوت نکرده و از هر فرصتی برای نشان دادن اعتراض خود به رژیم استفاده کنند، سالها مقاومت و ایستادگی حاصل این طرز تفکر است ، شاید بتوان انقلاب ژینا نقطه اوج و بلوغ فکری این دیدگاه دانست

برابر اینهمه بی عدالتی ، ستم و ظلم رژیم سکوت نکرده و از هر فرصتی برای نشان دادن اعتراض خود به رژیم استفاده کنند، سالها مقاومت و ایستادگی حاصل این طرز تفکر است ، شاید بتوان انقلاب ژینا نقطه اوج و بلوغ فکری این دیدگاه دانست

برابر اینهمه بی عدالتی ، ستم و ظلم رژیم سکوت نکرده و از هر فرصتی برای نشان دادن اعتراض خود به رژیم استفاده کنند، سالها مقاومت و ایستادگی حاصل این طرز تفکر است ، شاید بتوان انقلاب ژینا نقطه اوج و بلوغ فکری این دیدگاه دانست

ممانعت از ترفیع اداری ۱۵۰۰ استاد دانشگاه

بدلیل حمایت از جنبش ژینا



دانشگاهها در ادامه افزود که علاوه بر این آمار، ۸۰ الی ۹۰ استاد دانشگاه نیز اخراج یا لغو قرارداد شده اند.صادقی علت اخراج این اساتید را دلایل واهی و سیاسی و سوءظن و با استعلام از نهادهای امنیتی عنوان کرد.به گفته این مسئول رژیم، تعداد قابل توجهی از اساتید حامی جنبش ژینا که در مرحله جذب بوده و یا مرحله جذب آنان سپری شده بود، در مرحله مصاحبه و شرایط عمومی حذف شدند. این اظهارات در حالی است که مسعود

یکی از نمایندگان پیشین مجلس شورای اسلامی رژیم از مجازات اداری ۱۵۰۰ استاد دانشگاه بدلیل حمایت از خیزش انقلابی "زن، ژیان، آزادی" خبر داد. محمود صادقی در گفتگو با وبسایت حکومتی "جماران" گفت که دست کم ۱۵۰۰ تن از اساتید دانشگاه که در رابطه با اعتراضات جنبش ژینا اظهارنظر و مصاحبه و یا بیانیه ها را امضا کرده اند، در ترفیع سالانه با مشکل روبرو می شدند. دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین

تداوم کارزار "سه‌شنبه‌های نه به

اعدام" در ایران

زندانیان تبلور یافته است."فعالان این کارزار مخالف "اعدام" از تمامی وجدان های بیدار جهان خواسته اند تا برای لغو اعدام و مقابله با آن از این کارزار حمایت کنند. این کارزار و اعتصاب غذا از ۹ بهمن سال گذشته پس از اعدام زندانیان سیاسی و موج گسترده اعدام ها از زندان قزلحصار کرج آغاز و سه‌شنبه هر هفته برقرار بوده و خواستار لغو احکام اعدام است.

کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام از بهمن ماه ۱۴۰۲ در زندان های ایران شروع شده و تا کنون ادامه یافته است این زندانیان در اعتراض به مجازات اعدام و مخالفت با آن به عنوان مجازاتی غیرانسانی و جبران‌ناپذیر، بدون توجه به نوع اتهام یا انگیزه ها و اعتقادات محکومین به اعدام، خواستار لغو این مجازات می باشند.

کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" با پیوستن زندانیان دو زندان دیگر وارد سی و دومین هفته خود شد.

روز سه‌شنبه ۱۳ شهریور، زندانیان شرکت کننده در کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" از پیوستن زندانیان دو زندان اسدآباد اصفهان و زندان بم کرمان و گسترش این کمپین به ۲۱ زندان خبر دادند.

فعالان این کارزار در بیانیه خود ضمن اشاره به توسل جمهوری اسلامی به سرکوب، زندان و اعدام معترضان، بر مقابله با حکومت استبداد دینی تاکید کردند.

در بخشی از این بیانیه آمده: "تحولات اخیر گویای آن است که جامعه ایران به درک روشنی رسیده اند که باید در مقابل این حکومت استبداد دینی مقاومت کرد، مقاومتی که نوک پیکان آن در میان

پزشکیان، رئیس جمهور رژیم اخیرا خواستار بازنگری در قرارداد اساتید اخراجی شده است.در مقابل، ابوالفضل ابوترابی، عضو کمیسیون امور داخلی کشور در واکنش به سخنان پزشکیان گفت که وی نمی تواند روندهای امنیتی و قضایی را زیر پا بگذارد و تهدید کرد که در صورت ادامه دار بودن اقدامات وی، مجلس ورود خواهد کرد. در جریان اعتراضات سراسری جنبش ژینا، بلافاصله دانشگاه های کوردستان و ایران را دربر گرفت و دانشجویان و اساتید دانشگاه به حمایت از این خیزش مردمی پیوستند.رژیم اسلامی ایران در راستای سرکوب دانشگاه ها و خاموش کردن صدای دانشجویان و اساتید معترض، صدها تن از دانشجویان و اساتید دانشگاه ها را اخراج یا تعلیق کرد.

گرامشی، جامعه مدنی و مبارزه برای دموکراسی



کاوه آهنگری

جامعه مدنی (civil society) یکی از مفاهیم مهم در علوم اجتماعی، بطور کلی و در فلسفه سیاسی بطور ویژه است. آنتونیو گرامشی مارکسیست ایتالیایی که در زندان فاشیسم جان باخت و یکی از اندیشمندان برجسته در ساخت اندیشه اجتماعی می‌باشد، به این مفهوم جان تازه‌ای بخشید که برای درک دموکراسی بسیار ارزشمند است. این مارکسیست ایتالیایی را می‌توان به عنوان یک نخبه عملگرا نام برد که دیدی انتقادی به مارکسیستهای جبرگرا، تقدیرگرا و مکانیکی (به نقل از سالامینی ۱۹۸۱) داشت. از نظر مک للان جامعه مدنی اهمیت ویژه روبنا را در دیدگاه مارکسیستی گرامشی برخلاف مارکس بیان می‌کند.

گرامشی بر آگاهی و نیاز مردم به ایدئولوژی انقلابی برای اقدام به انقلاب که برخاسته از آگاهی است، تاکید ویژه داشت. به عقیده او "افکار را روشنفکران ایجاد می‌کنند، بعد آن را به توده‌ها بسط می‌دهند و بوسیله آنها این افکار را عملی می‌سازند"

در این نوشتار جستاری خواهیم داشت به جامعه مدنی در نزد گرامشی و اهمیت آن در برقراری دموکراسی.

۱- جامعه مدنی از نظر گرامشی

مفهوم جامعه مدنی حتی تا سالها پس از جنگ جهانی دوم از سوی مارکسیستهای ارتدکس ازاهمیت چندانی برخوردار نبود اما از سالهای ۱۹۶۰ به بعد بویژه پس از نوشته‌های آنتونیو گرامشی این مفهوم اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. البته قابل ذکر است که اندیشه‌های جان لاک، توماس هابز، هگل، مارکس، توکویل و گرامشی در تکوین این مفهوم در عرصه اندیشه سیاسی و فلسفی نقش داشته‌اند. گرامشی نیز در این خصوص از مارکس وهگل الهام گرفته است.

برای بررسی مفهوم جامعه مدنی نزد گرامشی به ناچار باید مفاهیم "هژمونی" (hegemony) و روشنفکری را در نظر گرفت. با مطالعه آثار آنتونیو گرامشی همبستگی و التقاط میان این مفاهیم به وضوح دیده می‌شود. ارزش نظرات گرامشی در رابطه با جامعه مدنی به درک وی از روابط قدرت برمی‌گردد. همانطور که گفته شد، مفهوم جامعه مدنی به روبنا تعلق دارد و روبنا هم در نزد گرامشی یک مجموعه می‌باشد که در این میان احزاب و روشنفکران از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

اگر "قدرت" (power) را موضوع قرار دهیم، می‌بینیم که فاکتورهای زیادی در تشکیل آن و ایجاد تغییر در آن دخیل می‌باشند. اهمیت مفهوم هژمونی نزد گرامشی دراین است که چگونگی مهار

قدرت‌طلبان و تنظیم دموکراتیک قدرت را می‌توان در زهدان مفهوم هژمونی مورد بررسی قرار داد.

"در دفترهای یادداشت زندان، هژمونی و جامعه مدنی مفاهیمی به هم وابسته هستند. گرامشی از طریق مطالعه دقیق جامعه مدنی به مفهوم هژمونی می‌رسد و توصیفات او از تعاملات پیچیده میان افراد و نهادها در جامعه مدنی، بیانی ملموس و مادی از دستگاه‌ها و عملیات هژمونی را تشکیل می‌دهد."

از سویی دیگر مفهوم هژمونی به دولت، نهادها و ارگانهایی که سعی در تسخیر افکارعمومی به منظور تامین منافع خود دارند، ربط پیدا می‌کند. شاید بر همین اساس هم است که گرامشی جامعه مدنی را بخشی جدایی ناپذیر از دولت می‌داندست. "به نظر او، جامعه مدنی، به دور از دشمنی با دولت، درواقع انعطاف‌پذیرترین عنصر تشکیل دهنده آن است، حتی اگر آشکارترین جنبه دولت، جامعه سیاسی است، که اغلب به اشتباه با آن یکی می‌شود. او همچنین متقاعد شده بود که روابط پیچیده و ارگانیک بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی، اقشار خاصی از جامعه را قادر می‌سازد تا نه تنها بر درون دولت تسلط پیدا کنند، بلکه و مهم‌تر از آن، آن را حفظ کنند و فرودستی اقشار دیگر را مداوم بخشند."

اهمیت هژمونی در بحث جامعه مدنی آنجاروشنتر می‌شود که درواقع محل اجرای هژمونی جامعه مدنی می‌گردد. "به عبارت دیگر، جامعه مدنی عرصه‌ای است که درآن طبقه حاکم با ابزارهای غیرخشونت آمیز قدرت خود را گسترش داده و تقویت می‌کند." در لابلای این بحث ریزبافت به لحاظ سیاسی- نهادی و اهمیت و ارتباط این مفاهیم به همدیگر، می‌توان موارد مهم و ارزشمندتری از زهدان فکری گرامشی استخراج کرد. "ژوزف بوتیگیگ" معتقد است که اگرچه هژمونی یک قدرت غیراجباری است، اما با این وجود قدرت است. هنگامی که گروه اجتماعی خاصی هژمونیک می‌شود، به این معنی است که نه تنها کنترل دستگاه سیاسی- حقوقی دولت را به دست آورده است، بلکه در نهادهای جامعه مدنی نیز نفوذ کرده است - به مفهوم گرامشی از اصطلاحات، رهبری را در حوزه فرهنگی به عهده گرفته است.

"جرج ریتزر" (George Ritzer) جامعه‌شناس آمریکایی

نیز معتقد است که گرامشی "هژمونی" را بعنوان رهبری فرهنگی که طبقه حاکم آن را اعمال می‌کند، تعریف کرده است. گرامشی جامعه مدنی را از مسیر مبارزه در درون و پیچ و خم‌های جامعه مدنی جستجو می‌کرد. وی معتقد بود که باید مبارزه کرد و دینامیز اجتماعی را متشکل کرد تا بتوان جلوی هژمونی‌خواهان ایستاد و بر آنها پیروز شد. در همین راستا "ژوزف بوتیگیگ" از گزاره "فرمول‌بندی مفهوم ضد هژمونیک از نظم اجتماعی" با هدف شکل‌گیری نهادهای ضد هژمونیک استفاده می‌کند و به زعم وی و با تانی از گرامشی این نوع مبارزه فقط می‌تواند در جامعه مدنی اتفاق بیفتد و در واقع مستلزم گسترش جامعه مدنی است. موضوع فوق به ما می‌گوید که وجود احزاب سیاسی و نهادهای مردمی در امر مبارزه علیه تمامیت‌خواهان بسیار حائز اهمیت است.

از نظر واسیلیس مگلاراس (Vasilis Maglaras) در میان طبقات گوناگون اجتماعی، طبقه بورژوازی به عنوان محل شکل‌گیری و بازتولید ارزش‌های بورژوازی اولین مرحله رقابت طبقات اجتماعی است و دراین فاز مبارزه برای هژمونی ایدئولوژیک انجام می‌پذیرد. بنابراین جامعه مدنی به مثابه مکانی ظاهری‌شود که در آن روابط دولت و اقتصاد و حوزه خصوصی و عمومی تحت رقابت ایدئولوژیک که از طریق هژمونی بیان می‌شود، بازتعریف می‌شوند.

پس تا اینجا معلوم شد که از سویی جامعه مدنی ربط مستقیم و غیرمستقیم به قدرت دارد و بستری است که درآن مبارزات هژمونیک رواج پیدا می‌کنند. به تعبیری دیگر، جولانگاه طبقات برای سردستگی و بدست گرفتن رهبری عموم مردم از طریق امکانات و گفتمان خود می‌باشد. از سویی دیگر، از دیدگاه واسیلیس ماگلاراس (Vasilis Maglaras) و به نقل از بابیوان (Bobbio N). جامعه مدنی درنظر گرامشی به زیربنا تعلق ندارد، بلکه به جنبه‌های روبنائی تعلق دارد، و به عقیده گرامشی، جامعه مدنی اکنون می‌تواند به عرصه مدرن مبارزه و رقابت طبقاتی تبدیل شود و به نوعی می‌تواند به عنوان ابزاری برای خدمت به منافع طبقاتی مورد

استفاده قرار گیرد.

بدلیل اینکه گرامشی یک مبارز سیاسی بود، با دقت و ریزبینی خاصی قدرت، هژمونی و چگونگی پدیدآمدن و چرخش قدرت را در لایه‌های اجتماعی بررسی می‌کرد. واسیلیس براین باور است که "برای گرامشی، مبارزه سیاسی، جنگ مواضع، زیرلایه یا پایه تسلط ایدئولوژیک درسطح جامعه مدنی است و عنصری داوطلبانه برای مبارزه طبقاتی است. ازطریق این مبارزه در جامعه مدنی، شرایط هژمونی ابتدا در حوزه اندیشه و سپس در عرصه سیاست منعکس خواهد شد." به این ترتیب از نظر گرامشی، جامعه مدنی عرصه رقابت و مبارزه برای سازماندهی افکار عمومی با هدف رسیدن به سلطه سیاسی است و این مهم مقدورنخواهد بود مگراینکه ابتدا مرحله جلب رضایت و همراهی فکری در جامعه انجام بگیرد. پس از آن است که برنامه‌ها و ایدئالها درعرصه سیاسی منعکس خواهند شد. آنچه‌که دراینجا لازم به تاکید است، یک تفاوت ظریف میان جوامع توسعه یافته و توسعه نیافته است. در جوامع توسعه نیافته سرسپردگی عمومی با اعمال زور و ازطریق نیروی نظامی و سرکوب انجام می‌پذیرد اما "بحث گرامشی در مورد هژمونی، در دولتهای توسعه یافته غربی بطور فزاینده‌ای مبتنی بر ایجاد رضایت در جامعه مدنی است، نه صرفا بر روی اعمال اجبار از طریق ارتش، پلیس یا دادگاه‌های حقوقی". براساس نکته فوق‌الذکر، هژمونی به رضایت اشاره دارد و رضایت هم در دل جامعه مدنی مستتر است. دولت را هم نمی‌توان صرفا به واحدهای اداری قدرت اجرایی تقلیل داد، یعنی یک جامعه سیاسی جداگانه، بلکه با ساختارمحکم جامعه مدنی؛ مدارس، کلیساها، انجمن‌های خصوصی، روزنامه‌ها و رسانه‌ها، روشنفکران و یک مجموعه وسیع و پیچیده در ارتباط تنگاتنگ است.

همانطور قبلا عنوان شد وجود احزاب و سازمانها در نزد گرامشی بسیار مهم تلقی می‌شوند. دلیل آن هم نقش حزب سیاسی در جامعه مدنی است. به نظر "سوویک لال چاکرابورتی" (Souvik Lal Chakraborty) حزب سیاسی همان نقش دولت در جامعه مدنی را ایفاء می‌کند. البته به زعم "سوویک" منظور

گرامشی از حزب، نوع انقلابی آن است. آن نوع حزب انقلابی که می‌تواند پیوند میان روشنفکران سازمانی را با روشنفکران سنتی برقرار کند.

۲. اهمیت جامعه مدنی در مبارزه برای دموکراسی

جهت درک اهمیت "جامعه مدنی" برای دموکراسی و مبارزه برای آن بهتر است ابتدا نگاهی گذرا به اندیشه جان لاک و هگل بیندازیم. این دو متفکرهمچنانکه گفته شد در بسط مبحث جامعه مدنی دخیل بوده‌اند.

جان لاک (John Locke) فیلسوف و فیزیکدان انگلیسی نه تنها جامعه مدنی را در اساس ضامن حقوق فردی و آزادیها می‌داند بلکه آن را برای یک دولت دموکراتیک بسیار ضروری می‌داند. دراین بحث جان لاک فرمولی ارائه می‌کند که دولتهای لیبرال توسعه یافته، هنوز هم "حقوق فردی" و "آزادی" را جزو اصول بنیادین ارگانیسیم سیاسی خود تلقی می‌کنند. از نظرهگل نیز، جامعه مدنی یک نهادی میانجی بود که در نهایت منجر به تشکیل یک دولت دموکراتیک خواهد شد. او به صراحت بیان می‌کند که «جامعه مدنی مرحله متفاوتی است که حتی اگر رشد کامل آن دیرتر از دولت اتفاق بیفتد، بین خانواده و دولت مداخله می‌کند.» با لحاظ اندیشه جان لاک، هگل و گرامشی می‌توان اینگونه ازاهمیت جامعه مدنی برای برقراری دموکراسی سخن گفت که درواقع جامعه مدنی می‌تواند حافظ حقوق طبقات، گروههای اجتماعی و آزادی شهروندان باشد. البته این زمانی می‌تواند متحقق شود که تشکلیابی وسازمان‌دهی در درون دینامیزم اجتماعی به عنوان یک رویه نهادینه شود، درغیراین صورت آنچه اتفاق خواهد افتاد که "راجر سایمون" (Roger Simon) به آن اشاره می‌کند. راجر سایمون براین باور است که "هژمونی" یک عنصر اساسی برای طبقه حاکم است تا بتواند از این طریق قدرت و اقتدار خود را حفظ کند. به نظر راجر سایمون نقطه عزیمت هژمونی این است

بازداشت یک ماموستای آیینی در مریوان و محکومیت یک ماموستای دیگر به حبس تعزیری



جمعه شهرک "قهوخ" شهرستان سقز در کانال تلگرامی خود اعلام کرد که از سوی دادگاه ویژه روحانیت همدان به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به ۱۵ ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

به گزارش کوردپا، این روحانی کورد پیشتر در تیرماه ۱۴۰۲ به دادگاه ویژه روحانیت همدان احضار شده بود.

ماموستا صابر خدامرادی در ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ توسط دادگاه ویژه روحانیت همدان به اتهامات "تبلیغ علیه نظام" و "تشویش اذهان عمومی" به ۷ ماه و ۱۵ روز حبس تعلیقی و ۷۴ ضربه شلاق به مدت سال محکوم شد.

شایان ذکر است که این ماموستای دینی کورد در جریان خیزش انقلابی ژینا نیز بدلیل حمایت از اعتراضات سراسری در خطبه‌های خود به دادگاه ویژه روحانیت همدان احضار شده بود.

در اختیار دارد، پس در نهایت "جامعه مدنی" در تعریف وسیع گرامشی آن، برای مردم می‌ماند و جامعه مدنی هم تنها راهکار کاربردی برای طبقات غیرحاکم و فرودستان خواهد بود تا در شکل اصناف، سندیکا، احزاب، سازمانها و انجمن‌ها خود را متشکل و در رینگ جنگ قدرت به مصاف حاکمان بروند. درغیراینصورت یا با وجود جامعه مدنی ضعیف، نه تنها دیکتاتورها و مستبدین برای مدت طولانی برجامعه حاکم خواهند بود بلکه امکان رسیدن به دموکراسی که همانا حاکمیت مردم و جمهوریت است، از مردم سلب خواهد شد. بنابراین می‌توان با اطمینان بیشتر گفت که دموکراسی در دامن جامعه مدنی متولد و پرورش خواهد یافت و جامعه مدنی هم مجموعه وسیعی از نهادها، احزاب و رسانه‌ها می‌باشند که هر کدام نقش مهمی در تنظیم، پیروزی و یا شکست هژمونی و تعادل سیاسی بازی خواهند کرد. وجود دموکراسی می‌تواند به معنی وجود جامعه مدنی قوی و توازن در ساحت قدرت باشد

روز یکشنبه ۴ شهریور، ماموستا علی بهرامی پیشنهاد شهر "نی" مریوان توسط نیروهای اداره اطلاعات رژیم بازداشت و به مدت ۷ ساعت تحت بازجویی قرار گرفته و موبایل وی نیز توقیف شد.

نامبرده در حین بازگشت از سفر به اقلیم کوردستان در مرز "باشماخ" مریوان توسط نیروهای اطلاعاتی رژیم و بدون هیچگونه برگه قضایی بازداشت و پس از ۷ ساعت بازجویی آزاد شد، اما موبایل وی همچنان توقیف و تحت کنترل این نهاد سرکوبگر رژیم قرار دارد

شایان ذکر است که این ماموستای دینی کورد پیشتر نیز در مورخ ۲۷ دی‌ماه سال قبل بازداشت شده بود و همچنین تاکنون چندین مرتبه توسط نهادهای امنیتی رژیم و به بهانه‌های مختلف احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است.

همچنین ماموستا صابر خدامرادی، امام

اقدام موثر و قابل اعتنایی از سوی آنان در راستای تخصیص بودجه و اعتبارات لازم جهت آبادانی و رونق کوردستان در مجلس شورای اسلامی رژیم صورت نمی‌پذیرد و تنها در راستای سیاست‌های پلید جمهوری اسلامی در حرکت هستند.

در ایران، یک درصد دانش‌آموزان به معیار پیشرفته (625)، 7 درصد به معیار بالا (550)، 29 درصد معیار متوسط (475) و 59 درصد به معیارپایین (400) دست می‌یابند قابل ذکر است که نمره 400 حداقل معیار و پایین‌ترین سطح انتظارات خواندن است و تلاش کشورها باید رساندن تمام دانش‌آموزان به این معیار باشد همچنین سنگاپور بیش از یک‌سوم (35 درصد) دانش‌آموزان کلاس چهارم خود را به سطح پیشرفته می‌رساند

سازمان‌یافتن در درود یک حزب، انجمن یا سازمان غیرممکن به نظر می‌رسد. و وقتی که این امر (سازمان‌یافتگی) اتفاق افتد، ضرورت وجود گفتمان برجسته‌تر می‌شود. در جامعه متکثر امروز ما به دلیل وجود احزاب و گفتمانهای گوناگون، رقابت بر سر تفوق وهژمونی گفتمانی به امری متعارف تبدیل شده‌است.

حال اگرعاملی به نام دولت توتالیتر مستقر راهم وارداین بازی کنیم، پیچیدگی موضوع بیشترهم خواهد شد. زیراکه دولت مستقر با در دست داشتن امکانات زیاد از قبیل رسانه‌ها، آموزش پرورش، سازمانها و... در صدد تعمیق، تمدید و گسترش سلطه خود خواهد بود. پس اگر مردم بطورعموم و طبقات اجتماعی بطور ویژه، سازمان یافته نباشند، امکان رویارویی با طبقه یا گروه حاکم بسیار مشکل خواهد بود. به نظر می‌رسد که اهمیت ویژه‌ی گرامشی برای روشنفکران در فرآیند سازوکارجامعه مدنی، به نقش آنها در امر آگاهی رسانی و سازماندهی طبقات اجتماعی برمی‌گردد. از نظر "ژوزف بوتیگیگ" در زمان گرامشی، فقیر شدن جامعه مدنی، زمینه

اسلامی همچنین گفت که کمبود فضای آموزشی در مریوان نگران‌کننده است و شاخص فضای آموزشی در مریوان ۲ درصد است که شاهد پایین‌ترین سرانه آموزشی در این شهرستان هستیم.

وی در ادامه به وضعیت راه‌های روستایی و بین راهی استان سندج اشاره کرد و اضافه کرد که شاخص آسفالت ره‌های روستایی در استان ۶۴ درصد است، در حالیکه این شاخص در سطح کشور ۸۲ درصد است و این وضعیت را نگران‌کننده خواند.

در ادامه محسن بیگلری، نماینده مجلس رژیم در شهرستان‌های سقز و بانه نیز وضعیت جاده‌های استان را نامطلوب توصیف کرده و خواستار اختصاص اعتبارات بیشتر در این حوزه شد.

این سخنان نماینده‌ها و عوامل رژیم در کوردستان در حالی است که هیچگونه

خرد، آگاهی و فرهنگ سازماندهی جمعی، در صورت حمله یک طبقه به طیقات دیگر، امکان تجدید قوا وسازماندهی مجدد دینامیزم اجتماعی معترض در مقابل مهاجمان بسیار بیشتر از حالتی است که جامعه نامتشکل و اتمیزه شده باشد. یا به بیانی دیگر مردم و طبقات اجتماعی فاقد جامعه مدنی و یا دارای جامعه مدنی ضعیف باشند.

مادام دولت از طریق تاسیس سازمانها و ارگانها تبلیغاتی و آموزشی در حال هژمونی بخشی مواضع و منافع خود است، پس تاسیس احزاب و سازمانهای مردمی و دخالت روشنفکران در امر سازماندهی مردم برای پیشبرد و محافظت از منافع مردم بسیار مهم است. "سوویک لال چاکرابورتی" به تانی از گرامشی براین باور است در نظم نوین جهان کنونی به وضوح می‌توان دید که دولتها از طریق سازمانهای جامعه مدنی در حال گسترش حوزه نفوذ خود هستند.

۳- نتیجه‌گیری

مبارزه برای دموکراسی بدون تشکل و

نماینده مجلس رژیم اسلامی در شهرستان‌های مریوان و سروآباد ضمن اشاره به کمبود فضای آموزش در مریوان، از میزان بیکاری در این شهرستان و وضعیت راه‌های استان سندج ابراز نگرانی کرد.

امید کریمیان در دیدار استاندار سندج با اعضای مجمع نمایندگان این استان با اشاره به وضعیت نگران‌کننده بیکاری در شهرستان مریوان بر خلاف آمارهای ارائه‌شده گفت که درآمد سرانه در استان سندج نسبت به سایر استان‌های مرزی ۴۹ درصد و نسبت به کشور ۴۵ درصد است.

نامبرده در ادامه به طرح منطقه آزاد بانه و مریوان که همزمان با چند استان دیگر تصویب شد، پرداخت و اعلام کرد که این طرح تاکنون هیچگونه پیشرفتی نداشته و همچنان در مرحله ابتدایی کار است.

نماینده رژیم ایران در مجلس شورای

ادامه صفحه ۵

که یک طبقه و نمایندگانش قدرت خود را از طریق اجبار و رضایت بر طبقات پائین اجرا می‌کند. سایمون براین باور است که هژمونی از دید گرامشی تنها بدست آوردن قدرت نیست، بلکه حفظ آن نیز می‌باشد. اهمیت جامعه مدنی در امر مبارزه برای دموکراسی در حدی است که گرامشی آن را به سنگر تشبیه می‌کند. از نظر گرامشی "روبناهای جامعه مدنی مانند سیستم سنگر در جنگ مدرن هستند." در واقع گرامشی با آوردن مثال جنگ اهمیت جامعه مدنی را به ما یادآوردی می‌کند، بطوری که اگر در اثر حمله گروه مهاجم، به ظاهر، سیستم دفاعی خسارت زیادی دیده باشد، اما در صورت پیشروی، گروه مهاجم با یک خطه دفاعی موثر مواجهه می‌شود.

این تشبیه گرامشی می‌تواند به این معنی باشد که با نهادینه شدن امر سازماندهی و تشکیل احزاب و سازمانها در جامعه، بدلیل آموزش عمومی و نهادینه‌گشتن

منابع:

۱۹۹۵, ۳, no. ۲۲, vol. ۲, A. Buttigieg, JOSEPH, ‘Gramsci on Civil Society’, published by Duke University Press in Boundary

(۲۰۱۰, United Kingdom: Cambridge University Press) G.W.F Hegel, “Civil Society,” in Elements of the Philosophy of Rights, ed. Allen W.Wood

۱۹۹۲, Hoare and Smith, eds., Selections From The Prison Notebooks of Antonio Gramsci

۲۰۱۶, Lal Chakraborty, Souvik, Gramsci's Idea of Civil Society, International Journal of Research in Humanities and Social Studies

۲۰۰۷, McLellan, David, Marxism After Marx

https://plato.stanford.edu/entries/gramsci/#StatCiviSoci

(۱۹۹۱, London: Lawrence and Wishart) Roger Simon, Gramsci's Political Thought An introduction

۲۰۱۳, Vasilis Maglaras, Consent and Submission: Aspects of Gramsci's Theory of the Political and Civil Society

چالش های اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی

است که بتواند اعتماد را به دولت بازگرداند و حکومتداری پایدارتر و عادلانه‌تر ایجاد کند.

–5 راه های رو به جلو – اصلاحات برای آینده

5.1. اصلاحات اقتصادی

برای مقابله با چالش های اقتصادی، ایران باید اصلاحات جامعی را با هدف ثبات اقتصاد، کاهش تورم و ایجاد رشد پایدارتر انجام دهد. این شامل اصلاح نظام بانکی، تنوع بخشیدن به اقتصاد فراتر از وابستگی به نفت و بهبود مدیریت وجوه عمومی است.

5.2. اصلاحات زیست محیطی

مشکلات زیست محیطی باید با تمرکز بر بهبود مدیریت آب، کاهش آلودگی هوا و سازگاری کشور با اثرات آتی تغییرات اقلیمی بسیار جدی گرفته شود. این امر هم نیازمند راه حل های فنی و هم اراده سیاسی قوی برای اعمال تغییرات لازم است.

5.3. اصلاحات اجتماعی و برابری

اصلاحات اجتماعی باید در اولویت قرار گیرد تا شکاف های موجود در جامعه کاهش یابد و توسعه فراگیرتر و عادلانه تر شود. این شامل تقویت حقوق زنان، بهبود سیستم آموزشی و ایجاد فرصت های بیشتر است.

نتیجه گیری

ایران در یک بحران عمیق قرار دارد که چندین چالش به هم پیوسته آینده این کشور را تهدید می کند. از نظر اقتصادی، ایران با تورم بالا، بدهی فزاینده و بحران انرژی دست و پنجه نرم می کند که هم صنعت و هم خانوارها را تضعیف می کند. فروپاشی نظام بازنشستگی و مدیریت ناکارآمد منابع طبیعی کشور وضعیت را بیشتر بدتر کرده و منجر به افزایش ناآرامی های اجتماعی می شود.

از نظر زیست‌محیطی، ایران با یک بحران حاد آب مواجه است، جایی که بهره‌برداری بیش از حد منجر به خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌ها شده و تولیدات کشاورزی و دسترسی به آب آشامیدنی را تهدید می‌کند. آلودگی هوا و اثرات تغییرات آب و هوایی این وضعیت را تشدید می کند و پیامدهای جدی هم برای سلامت عمومی و هم برای ثبات اقتصادی دارد.

از نظر اجتماعی و فرهنگی، ایران با شکاف عمیق به ویژه بین نسل ها و بین مسائل ملیت ها ایران گروه های مذهبی مختلف مشخص می شود. نسل‌های جوان‌تر، که بیشتر از رژیم انتقاد می‌کنند، برای تغییر فشار می‌آورند و قطب‌بندی اجتماعی را افزایش می‌دهند. در عین حال، حقوق و برابری زنان به موضوعات محوری در بحث اجتماعی جاری تبدیل شده است.

در سطح سیاسی، فساد و ریاکاری گسترده رژیم منجر به نارضایتی گسترده در میان مردم شده است. اکنون بزرگترین تهدید برای بقای رژیم، از طریق افزایش بی ثباتی داخلی و عدم مشروعیت، از درون می آید نه از بیرون.



2. چالش های زیست محیطی:

2.1 بحران آب و تولیدات کشاورزی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی در ایران، کمبود آب است که هم تولیدات کشاورزی و هم دسترسی به آب آشامیدنی پاک را تهدید می‌کند. بهره برداری بیش از حد از منابع آبی منجر به خشک شدن بسیاری از مهمترین دریاچه ها و رودخانه های کشور شده است که پیامدهای مخربی برای اکوسیستم ها و جوامع محلی به همراه داشته است.

2.2. آلودگی هوا و بهداشت عمومی:

آلودگی هوا در ایران به ویژه در شهرهای بزرگی مانند تهران به حد بحرانی رسیده است و تهدیدی جدی برای سلامت جامعه است. عوامل اصلی آلودگی ترافیک، صنایع ناکارآمد و استفاده از سوخت بی کیفیت است. این آلاینده ها نه تنها اثرات فوری سلامتی دارند، بلکه به مشکلات زیست محیطی درازمدت مانند گرم شدن کره زمین نیز کمک می کنند.

2.3 تاثیر تغییر آب و هوا:

تغییرات آب و هوایی با افزایش دما و آب و هوای غیرقابل پیش بینی تر، از هم اکنون بر ایران تأثیر گذاشته است. انتظار می رود این تغییرات مشکلات از پیش موجود مانند کمبود آب و تخریب خاک را تشدید کند و امنیت غذایی و ثبات اقتصادی کشور را بیشتر تهدید کند.

–3 شکاف های اجتماعی و فرهنگی

3.1 شکاف های نسلی و قطبی شدن اجتماعی:

ایران با دو قطبی شدن عمیق اجتماعی به ویژه بین نسل های قدیمی و جوان مواجه است. در حالی که نسل های قدیمی اغلب پیوندهای محکمی با مبانی ایدئولوژیک رژیم دارند، نسل های جوان تر منتقدتر هستند و خواستار تغییر هستند. این شکاف نسلی به منبع تنش اجتماعی تبدیل شده و به افزایش نارضایتی از دولت منجر شده است.

–3.2تفاوت های فرهنگی و مسائل ملیت ها ایران:

علاوه بر شکاف های نسلی، تفاوت های فرهنگی قابل توجهی نیز در داخل ایران به ویژه بین ملیت ها ایران مختلف وجود دارد. این تفاوت‌ها اغلب توسط رژیم برای ایجاد تفرقه و حفظ قدرت مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند.

تبعیض مستمری که اقلیت ها در ایران با آن مواجه هستند به طرق مختلفی از جمله دسترسی محدود به آموزش، بازار کار و نفوذ سیاسی آشکار می شود. ملیت ها مانند کردها، بلوچ‌ها و عرب‌ها و همچنین اقلیت‌های مذهبی مانند بهائیان و مسلمانان سنی اغلب مورد سرکوب دولتی قرار گرفته‌اند. این امر نه تنها حس شهروندان درجه دوم بودن را در آنها تقویت کرده است، بلکه بی اعتمادی آنها به دولت مرکزی را نیز عمیق تر کرده است. بحران کنونی ایران این مشکلات را تشدید کرده است. با افزایش بی ثباتی سیاسی و ناامنی اقتصادی، گروه های اقلیت آسیب پذیرتر شده اند.

3.3 مسائل حقوق و برابری زنان:

حقوق زنان موضوع اصلی بحث اجتماعی در ایران بوده است. علیرغم برخی



حسن قهرمانی

ایران در دوره بحران عمیقی قرار دارد که عوامل متعددی در کنار یکدیگر برای تهدید ثبات و آینده کشور دست به کار شده اند. در حالی که عدم تعادل مالی و زیست محیطی باعث ایجاد مشکلات گسترده در اقتصاد می شود، این وضعیت با افزایش تنش سیاسی و اجتماعی در داخل کشور تشدید می شود. بنیان های ایدئولوژیک سابق رژیم ضعیف شده و جای خود را به فساد و حفظ خود در میان رهبران رژیم داده است، به این معنی که بزرگترین تهدید برای بقای رژیم اکنون از درون است نه از بیرون. ایران با یک سری چالش هایی مواجه است که آینده کشور را به شکلی اساسی تهدید می کند. این مشکلات جدید نیستند، اما در سال های اخیر به دلیل ترکیبی از سوء مدیریت اقتصادی، فساد سیاسی و دو قطبی شدن فزاینده اجتماعی بدتر شده اند.

در اینجا به طور خلاصه عوامل خاص و پیچیدگی های ناشناخته "چالش های اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی" را شناسایی می کنیم:

–1 بحران اقتصادی و مالی:

بدهی و مشکلات تورم

اقتصاد ایران از دیرباز با تورم بالا همراه بوده است که قدرت خرید مردم را تضعیف کرده و تنش های اجتماعی قابل توجهی را ایجاد کرده است. افزایش بدهی، هم در بخش دولتی و هم در میان خانوارها، وضعیت را بدتر کرده است. این مشکل به شدت با عدم اصلاحات اقتصادی و ادامه فساد در سیستم بانکی مرتبط است.

–1.2 تاثیر بحران انرژی:

بخش انرژی در ایران که زمانی یکی از قوی‌ترین سرمایه‌های کشور بود، در سال‌های اخیر به منبع مشکلات بزرگی تبدیل شده است. مدیریت ناکارآمد منابع نفت و گاز منجر به از دست دادن قابل توجه تولید شده است که به نوبه خود اقتصاد ملی را تضعیف کرده است. در عین حال، عرضه برق به طور فزاینده‌ای ناپایدار شده است که هم صنعت و هم خانوارها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

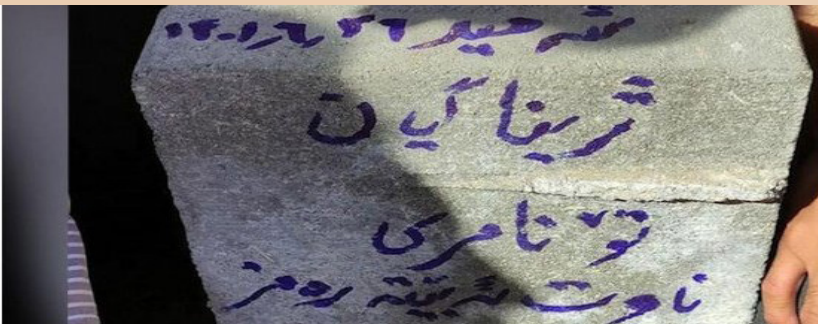
1.3 فروپاشی نظام بازنشستگی

سیستم بازنشستگی ایران با کسری فزاینده که تهدیدی برای تخلیه بودجه دولت است، در آستانه سقوط است. این وضعیت نتیجه چندین دهه سوءمدیریت اقتصادی و عدم اصلاحات است که اکنون دولت را مجبور می‌کند تا کسری‌ها را با بودجه دولتی و به قیمت سایر خدمات مهم اجتماعی پوشش دهد.



سایه سنگین فاشیسم:

از ادعای تمدن تا واقعیت تلخ



تنوع‌های قومی و زبانی، تلاش می‌کرد تا یک هویت واحد و اجباری را بر همه ملت‌ها تحمیل کند. امروز، این تفکر فاشیستی نه تنها در داخل کشور، بلکه در خارج از کشور نیز به کار خود ادامه می‌دهد. گروه‌های سلطنت‌طلب که همچنان در توهم بازگشت به قدرت هستند، با تبلیغ تفکرات فاشیستی، سعی در احیای همان نظام سرکوب‌گر دارند. این جریان‌ها با نفی حقوق ملت‌ها و اقوام و تلاش برای حذف تنوع‌های فرهنگی و مذهبی، در واقع ادامه‌دهنده همان فاشیسم دوران پهلوی هستند. از سوی دیگر، فاشیسم مذهبی نیز به شکلی دیگر در جامعه ایرانی ریشه دوانده است. این نوع فاشیسم، با ابزار ایدئولوژی مذهبی، شیعه‌گری تلاش می‌کند تا تمامی ملت‌های تحت جغرافیای ایران را به اطاعت از یک تفکر خاص وادار کند.

این جریان نیز، همچون فاشیسم سلطنت‌طلب، به دنبال بلعیدن و یکسان‌سازی تمام تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی و مذهبی است که در این سرزمین وجود دارد. این ترکیب از فاشیسم‌های مختلف، چه سلطنت‌طلب، چه مذهبی، و چه فرهنگی، در واقع بخشی از یک فاشیسم ایرانی بزرگ‌تر هستند که همواره تلاش کرده‌اند تا تمامی ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون تحت جغرافیای ایران را به زیر سلطه خود درآورند. این فاشیسم ایرانی، در قالب تمدن خودخوانده‌ای که ادعای ۲۵۰۰ سال تاریخ دارد، همواره در پی سرکوب تنوع و تحمیل یکسان‌سازی بوده است.

وقتی نخبگان و فرهیختگان ما، از چنین ادبیات نازل و توهین‌آمیزی برای توصیف فاجعه‌ای چون قتل ژینا امینی استفاده می‌کنند، این خود یک قاب کوچک از رسوایی تمدنی است که ادعای برتری دارد.

آیا این بربریت کافی نیست؟ وقتی یک استاد دانشگاه، این‌گونه از مرگ یک انسان سخن می‌گوید، چه انتظاری از سایر بخش‌های جامعه می‌توان داشت؟

این واقعیت تلخ، بازتابی از همان فاشیسم پنهانی است که در دوران پهلوی آغاز شد و همچنان در لایه‌های مختلف جامعه ایرانی و حتی در خارج از کشور نیز ادامه دارد.



فواد محمودی

ویدئویی از یک استاد دانشگاه مشاهده کردم که مرا به تأمل واداشت و انگیزه‌ای شد تا این مطلب را بنویسم. مقاله‌ای که در زیر می‌خوانید، واکنشی است به سخنان آن استاد که با ادبیاتی زنده و بی‌رحمانه، از «نقله شدن» مهسا امینی، دختر کورد سنی، صحبت می‌کند.

این گفته‌ها به وضوح نشان می‌دهند که در نظر این فرد، مهسا به دو «جرم» متهم بود: هم کورد بودن و هم سنی بودن. به نظر می‌رسد که همین دلایل کافی بودند تا کشته شدن او برای این شخص اهمیتی نداشته باشد. این نوع نگاه، نه تنها بی‌رحمانه و غیرانسانی است، بلکه پرده از نوعی فاشیسم پنهان برمی‌دارد که هنوز در بخش‌هایی از جامعه ما وجود دارد و در گفتار و رفتار برخی از نخبگان نیز نمایان است.

وقتی رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، فردی که باید نماد خرد و فرهیختگی در جامعه ایرانی باشد، از عباراتی چون «نقله شدن یک دختر خانم کورد سنی» استفاده می‌کند، ما شاهد افشای واقعیت تلخ جامعه‌شناسی ایرانی هستیم.

این ادبیات کوچه و بازاری از سوی یک استاد دانشگاه، به وضوح نشانگر سقوط اخلاقی و فرهنگی نهادهایی است که باید مهد خرد و عدالت باشند.

این رفتار نه تنها انعکاسی از وضعیت دانشگاه ایرانی است، بلکه بیانگر این است که فاشیسم، چه در گذشته و چه در حال، همچنان بر تار و پود جامعه ما سایه انداخته است. فاشیسم ایرانی که ریشه‌های عمیقی در تاریخ معاصر دارد، از دوران پهلوی تا امروز در اشکال مختلف خود را نشان داده است. در دوران پهلوی، شاهد تلاش برای همسان‌سازی فرهنگی و زبانی به ضرر اقوام و ملت‌های مختلف تحت جغرافیای ایران بودیم.

این نوع تفکر فاشیستی، با سرکوب

آمار کشته و زخمی‌شدگان کولبران کورد

طی ماه آگوست ۲۰۲۴

معادل ۱ کشته و ۱ زخمی بر اثر سقوط از کوه قربانی شده‌اند. همچنین به تفکیک استان‌های کوردستان نیز، سنندج با ۱۲ مورد شامل ۲ کشته و ۱۰ زخمی بیشترین آمار را به ثبت رسانده است. همچنین ۲ مورد، شامل ۱ کشته و ۱ زخمی نیز در استان ارومیه به ثبت رسیده است.

«اسعد اسپندار» اهل سردشت با شلیک مستقیم نیروهای نظامی رژیم ایران و یا سقوط از کوه کشته شده‌اند و ۱۱ کولبر دیگر نیز زخمی شده‌اند. طبق این گزارش، ۸۶.۵ درصد کل این موارد شامل ۳ کشته و ۱۰ زخمی با شلیک مستقیم نیروهای مسلح رژیم ایران قربانی شده‌اند. همچنین ۱۳.۵ درصد کل موارد نیز

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو»، در ماه آگوست سال جاری میلادی دست‌کم ۱۵ کولبر در مرزهای کوردستان کشته و زخمی شده‌اند. با توجه به گزارش هه‌نگاو، در ماه آگوست ۴ کولبر به نام‌های «اسعد افرنجه» اهل مریوان، «ناصر عثمانی» اهل ربط، «علی رسولی» اهل مهاباد و

وزارت آموزش و پرورش: ۱۶۴ هزار کودک

از تحصیل بازمانده‌اند

همچنین معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش رژیم در اواخر مرداد ۱۴۰۲ ضمن اشاره به افزایش ترک تحصیل در مقطع ابتدایی اعلام کرده بود که ۱۶۰ هزار دانش‌آموز در این مقطع از تحصیل بازمانده‌اند.

طبق آمارهای رسمی، ۷۰ درصد ترک تحصیلی‌ها مربوط به دهک‌های پایین هستند و به گفته محمد مولوی، عضو کمیسیون آموزش مجلس رژیم ۲۷۹ هزار کودک بدلیل مشکلات مالی ترک تحصیل کرده‌اند.

۹۳۰ هزار نفر از تحصیل در سال ۱۴۰۲، بر این باورند که آمار اعلامی از سوی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی تنها کودکانی را شامل می‌شود که احتمال ورود به سیستم آموزشی را ندارند و در ابعاد بزرگتر، بازماندن از تحصیل آمار بیشتری دارد.

نایب رئیس کمیسیون آموزش در مجلس رژیم در اوایل تیر امسال شمار کودکان بازمانده از تحصیل را ۹۱۱ هزار نفر از جمله ۴۰۰ هزار دانش‌آموز مقطع ابتدایی عنوان کرده بود.

معاون وزیر آموزش و پرورش رژیم اعلام کرد که ۱۶۴ هزار کودک در ایران از تحصیل بازمانده‌اند.

خبرگزاری «ایرنا» وابسته به رژیم به نقل از رضوان حکیم‌زاده نوشت: ما کودکانی که به سن ۶ سالگی رسیده‌اند را با آمار ثبت‌شده تطبیق می‌دهیم و تعدادی که در خارج از سیستم ثبت‌نام هستند را بازمانده از تحصیل برآورد می‌کنیم.

کارشناسان با استناد به آمار مرکز پژوهش‌های مجلس مبنی بر بازماندن

فراخوان کمپین «آزادی برای پخشان عزیزی» در

اعتراض به صدور حکم اعدام نامبرده

هزار امضا جهت اعتراض به این حکم جمع‌آوری کند.

پخشان عزیزی، زندانی سیاسی کورد در مورخ ۲ مرداد توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب رژیم در تهران به اتهام «بغی» به اعدام محکوم شد.

صدور حکم اعدام علیه پخشان عزیزی همانند دیگر زندانیان سیاسی کورد ناعادلانه و در حالی بوده که پخشان از حق برخورداری از وکیل و ملاقات با خانواده محروم بوده است.

عدالت از سوی جمهوری اسلامی نیست، چرا که دیگر سال‌هاست مردم برایشان مسلم شده که این حکومت منافعش تنها در ویرانی است» و افزود که این طومار، بلند کردن صدایی است در میان هزاران صدای دیگر که علیه اعدام و برای زندگی و مقاومت سر داده می‌شود این طومار به سه زبان کوردی، فارسی و انگلیسی نوشته شده و طی ۳ هفته توانسته افراد زیادی را از شرق تا غرب جهان با خود همراه سازد و حدود ۱۴

کمپین «آزادی برای پخشان عزیزی» با صدوربیانیه‌ای ضمن تاکید دوباره بر حمایت قاطع از پخشان عزیزی، اعتراض خود را نسبت به این حکم غیرانسانی اعلام کرد.

در بیانیه کمپین آزادی برای پخشان عزیزی ضمن اشاره به آنکه در ۱۱ شهریور طی متنی مکتوب از همه مخالفان حکم اعدام خواسته شده تا طومار تدوین شده این کمپین را امضا کنند، آمده است که «این طومار درخواستی برای اجرای

واکنش پدر ژینا امینی

در رابطه با اظهارات سخیفانه علی انتظاری

قابل توجهی را نیز بازداشت کرد که شماری از آنان هنوز نیز در بازداشت به سر می‌برند. این خشونت بی‌سابقه که بعدها توسط کمیته راستی‌آزمایی سازمان ملل متحد بعنوان «جنایت علیه بشریت» توصیف شد، به گفته علی انتظاری رفتاری نرم و پدرا نه بوده است این اولین بار نیست که رژیم در تلویزیون و برنامه‌های خود به ملت‌های کرد و اهل تسنن اهانت می‌کند. در واقع نگرش فاشیستی رژیم نسبت به کوردها و سایر اقلیت‌های ملی داخل ایران یک موضوع تاریخی است.

می‌دهد که توسط ماموران گشت ارشاد رژیم در تهران کشته شد.امجد امینی در اواکنش به سخنان سخیفانه انتظاری در شبکه اجتماعی اینستاگرام خود، این اظهارات را «برخاسته از ذهن یک سفله» دانست و افزود: «شرم بر او باد، بهتر آن که جواب دیگری ندهیم».

پس از کشته شدن ژینا امینی و آغاز اعتراضات گسترده در کوردستان که بلافاصله سراسر ایران را در بر گرفت، رژیم در سرکوبی خشونت‌آمیز و بی‌سابقه هزاران معترض را در کوردستان و ایران به قتل رسانید و زخمی کرد و شمار

امجد امینی، پدر ژینا امینی که دخترش نماد خیزش سراسری «ژن، ژیان، ئازادی» شد، به گفته‌های فاشیستی علی انتظاری، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی واکنش نشان داد و آن را «رکیک، توهین‌آمیز و سراسر کذب» خواند.

علی انتظاری روز دوشنبه ۵ شهریور در یک برنامه حکومتی و در اظهاراتی سراسر کذب و رکیک و توهین‌آمیز ضمن اشاره به رفتار نرم رژیم با معترضان، با ادبیاتی فاشیستی و به دور از احترام و ادب شهید ژینا امینی را مورد خطاب قرار